

## اهمیت و جایگاه علم حدیث نزد فریقین (اهل سنت و شیعه)

□ محمد امین صابری \*

### چکیده

آنچه در این تحقیق مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد، دیدگاه بزرگانی از علمای اهل سنت و شیعه در زمینه اهمیت و جایگاه علم حدیث است؛ چون حدیث در اندیشه اسلامی جایگاه و قدر و منزلت بزرگی برای انتقال ارزش‌های دینی دارد؛ به این جهت که اگر حدیث را از هر یک از علوم اسلامی بگیریم دیگر چیزی برای آن علم باقی نخواهد ماند.

اهل سنت علم حدیث را ریشه تمام علوم اسلامی و شریف‌ترین علوم دینی و آن را بعد از قرآن کریم، مهم‌ترین علوم دینی دانسته و فرا گرفتن علم حدیث را در کنار علم فقه لازم و واجب می‌دانند؛ چون که استنباط احکام را بدون علم حدیث، ناممکن و آن دو را مکمل همدیگر دانسته به گونه‌ای که هیچ کدام از یکدیگر بی نیاز نیستند.

شیعه هم برای علم حدیث ارزش و جایگاه ویژه‌ای قائل است؛ به گونه‌ای که آن را شارح و مفسر قرآن کریم و رکن و منبع دوم از چهار منبع ادله استنباط احکام و همچنین یک منبع ارشادی برای مجموعه دستورات اسلامی (عقاید، احکام، اخلاق) می‌داند.

همچنین علمای شیعه در آثارشان، علم حدیث را معتبرترین علوم حقیقی و ارجمندترین علوم دینی می‌دانند به طوری که اهداف کتاب خداوند و احکام علمی و عملی آن به وسیله علم حدیث شناخته می‌شود.

اهتمام علم حدیث نزد شیعه آنچنان است که سایر علوم اسلامی اعم از علم تفسیر، فقه و... به آن وابسته بوده و از آن گرفته می‌شود. و علم حدیث مورد نیاز مجتهد در استنباط احکام شرعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: اهل سنت، شیعه، اهمیت، جایگاه، علم حدیث.

## مقدمه

علم حدیث و شاخه‌های آن از شریف‌ترین اقسام علوم دینی است که اهمیت و شأن و شرف آن بر کسی پوشیده نیست بلکه حدیث در اندیشه اسلامی جایگاه بزرگی برای انتقال ارزش‌های دینی دارد؛ به این صورت که اگر حدیث را از هر یک از علوم اسلامی بگیریم دیگر چیزی برای آن علم باقی نخواهد ماند. از آن جایی که محور اصلی بحث ما در اینجا بر اهمیت و جایگاه علم حدیث نزد علما و فقهای اهل سنت و تشیع است، ابتدا می‌رویم سراغ دیدگاه بزرگانی از اهل سنت که تا چه اندازه برای علم حدیث اهمیت قائل هستند. بعد از آن، دیدگاه علمای شیعه را بررسی خواهیم کرد. در آخر هم بعد از بررسی و تحلیل دیدگاه دو طرف، نتیجه‌گیری خواهیم داشتیم.

### ۱- جایگاه علم حدیث نزد اهل سنت

اهل سنت مانند تشیع برای علم حدیث، ارزش و جایگاه خاصی قائل هستند. البته تفاوت آنها با اهل تشیع در این است که تشیع، تدوین و جمع‌آوری حدیث را از زمان پیامبر (ص) شروع کردند ولی آنها در ابتدا طبق فرموده خلیفه دوم که مبادا قرآن با حرف دیگران قاطی شود، به تدوین و جمع‌آوری علم حدیث اعتنا نکردند بعد از مدتی به اهمیت این کار پی بردند و در زمان عمر بن عبدالعزیز که دستور به تدوین حدیث داد، شروع کردند به جمع‌آوری و تدوین حدیث که نتایج ملموسی هم برای آنها در پی داشت. لذا به خاطر اهمیتی که آنها به علم حدیث پیدا کردند، در اینجا ما عبارات برخی از بزرگان اهل سنت را که در مورد جایگاه علم حدیث، حرفی برای گفتن دارند را یاد آور می‌شویم و به بررسی و تحلیل آنها می‌پردازیم.

#### ۱-۱. علم حدیث اساس و ریشه علوم اسلامی

از جمله کسانی که در مورد جایگاه علم حدیث پرداخته و آن را خیلی مهم دانسته، صاحب کتاب مطالع الانوار (ابو اسحاق ابراهیم بن یوسف بن ابراهیم بن عبدالله بن بدیس، پسر پیشوای حمزی، معروف به ابن قرقول (م ۵۰۵ - م ۵۶۹ ق / ۱۱۱۱-۱۱۷۴ م). از علمای حدیث نبوی و از نویسندگان اندلس در قرن ششم هجری است. اصل ابن قرقول به محلی به نام (حمزة بناحية الم سيلة من عمل بجایة،) بر می‌گردد. ولادت او در شهر آلمریا اندلس بوده است. (است که عبارت کامل ایشان را در اینجا یاد آور می‌شویم:

«اعلم أن أنف العلوم الشرعية ومفتاحها، ومشكاة الأدلة السمعية ومصباحها، ومبنى شرائع الإسلام وأساسها، ومُستند الروايات الفقهية كلها، ومأخذ الفنون الدينية دقتها وجلها، وأسوة جملة الأحكام وأسها، وقاعدة جميع العقائد وسماء العبادات وقطب مدارها، ومركز المعاملات ومحط حارها وقارها، هو علم الحديث الشريف الذي تعرف به جوامع الكلم وتتفجر منه ينابيع الحكم وهو ملاك كل نهي وأمر، ولولاه لقال مَنْ شاء ما شاء، وخبط الناس خَبَطَ عشواء وركبوا متن عمياء، فطوبى لِمَنْ جَدَّ فيه وحصل منه على تنويه يملك من العلوم النواصي ويقرب من أطرافها البعيد القاصي، ومَنْ لم يرضع مِنْ دره ولم يخض في بحره ولم يقتطف مِنْ زهره، ثم تعرض للكلام في المسائل والأحكام، فقد جاز فيما حكم وقال على الله تعالى ما لم يعلم، كيف وهو كلام رسول الله — صلى الله عليه وسلم — والرسول أشرف الخلق كلهم أجمعين وقد أوتي جوامع الكلم وسواطع الحكم من عند رب العالمين، فكلامه أشرف الكلم وأفضلها وأجمع الحكم وأكملها، كما قيل: كلام الملوك ملك الكلام وهو تلو كلام الله تعالى العلام وثاني أدلة الأحكام، فإن علوم القرآن وعقائد الإسلام بأسرها وأحكام الشريعة المطهرة بتمامها وقواعد الطريقة الحقة بحذافيرها وكذا الكشفيات والعقليات بنقيرها وقطميرها تتوقف على بيانه — صلى الله عليه وسلم — فإنها مالم توزن بهذا القسطاس المستقيم ولم تضرب على ذلك المعيار القويم لا يعتمد عليها ولا يصار إليها، فهذا العلم المنصوص والبناء المرصوص بمنزلة الصراف لجواهر العلوم عقليها ونقلها وكالتقاد لتقود كل فنون.» (ابو اسحاق ابن قُرُقُول، إبراهيم بن يوسف بن ادهم الوهراني الحمزي، مطالع الانوار على صحاح الآثار ج ۱، ص ۹).

«بدانید که دماغ و کلید علوم شریعت و طاقچه و چراغ ادله سمعی و اساس و شالوده احکام اسلام و اساس همه روایات فقهی و سرچشمه هنرهای دینی از نگاه ظرافت و شکوه و الگوی مهم ترین احکام و اساس آنها و پایگاه همه عقاید و آسمان عبادت و قطب مدار آنها و مرکز همه معاملات و ایستگاه حرارت و کرامت آنها، علم حدیث است که به وسیله آن جماعات الفاظ شناخته می شود و چشمه های حکمت فوران می کند. و آن پایه و مایه ای هر امر و نهی است. اگر علم حدیث نبود هر کسی هر چه دلش می خواست می گفت. و مردم به طور تصادفی ضربه می زدند و روی تخته کور سوار می شدند. پس خوشا به حال کسی که در آن جدیت کند و از آن ستایش کند و پیشاپیش علوم را در اختیار داشته باشد و آنها را به دور و بر نزدیک کند. و کسی که در زمان خودش شیر نخورد و در دریای خود قدم نزند و از آن گل نچیند، سپس در معرض صحبت در مورد مسائل و احکام قرار بگیرد، او بر خلاف حکم خدا رفته و درباره خدای متعال آنچه را نمی دانست گفته است و حال آنکه حدیث، گفتار رسول خدا (ص) است که گرامی ترین خلقت است، جامع ترین کلمات و روشن ترین حکم از جانب پروردگار

به او داده شده است. کلام او شریف‌ترین و بهترین سخن و جامع‌ترین و کامل‌ترین احکام است. و چنانکه گفته شده است که کلام پادشاهان پادشاه کلمات است. بعد از کلام الله مجید و دلیل دوم احکام است. پس همه علوم قرآن و عقاید اسلامی و احکام شریعت مقدس و قواعد راه حق به طور کامل و نیز تمام کشفیات عالم و عقلانیت با شاخ و قطمیر آن به قول او (ص) بستگی دارد؛ زیرا تا زمانی که با این خط مستقیم سنجیده نشود، و بر آن معیار درست قرار نگیرد، نمی‌توان به آن تکیه کرد یا آن را ساخت. این علم مقرر و ساختار یافته مانند مبادله جوهرات علوم (چه نقلی و عقلی) مثل منتقدان برای کسب درآمد از همه هنرها.»

عین همین تعبیر را در اهمیت علم حدیث، ابن‌الملقن (متولد سال ۷۲۳، هج در قاهره مصر و متوفای سال ۸۰۴ هج. ایشان یکی از علمای شافعی مذهب و معروف به ابن‌النحوی است؛ چون پدرش، متخصص در علم نحو بوده و از بزرگان حدیث و تاریخ و فقه است) در کتاب التوضیح لشرح الجامع الصحیح دارد البته با متن خلاصه و کوتاه تر از متن فوق. (ابن‌الملقن، سراج الدین ابی حفص عمر بن علی بن أحمد الأنصاری الشافعی، التوضیح لشرح الجامع الصحیح، ج ۱، ص ۳۸).

## تحلیل و بررسی

در این تعبیرات که به عنوان اهمیت علم حدیث نگاشته شده است، ظرافت خاصی به چشم می‌خورد و علم حدیث را آنچنان که شاید سسته است، تعریف و توصیف می‌کند و آن را شاه کلید همه علوم اسلامی معرفی می‌کند؛ به گونه‌ای که تمام ابواب فقه و عقاید اسلامی و امر و نهی در شریعت اسلام را منوط به علم حدیث می‌داند. چون اگر علم حدیث نبود هر کسی به دلخواه خود سخن می‌گفت و این سبب حرج و مرج در جامعه اسلامی می‌شد؛ لذا باید میزان در همه گفتارها و نوشتارها و بلکه سخن گفتن، بر معیار حدیث و گفتار رسول خدا (ص) باشد؛ چون اگر کسی از این راه انحراف پیدا کند و غیر این را به زبان جاری کند، بر خلاف حکم خدا حرف زده و چیزی را گفته است که خدا و پیامبرش نفرموده است؛ چون سخن پیامبر (ص) تالی تلو قرآن و سخنان خداوند متعال است. از اینجا است که اهمیت علم حدیث برای همه روشن می‌شود چون که مبنای همه علوم اسلامی همین علم حدیث است.

## ۲-۲. علم حدیث شریف‌ترین علوم اسلامی

صاحب کتاب التویر (شاهزاده محمد بن اسماعیل الصنعانی (۱۰۹۹ق - ۱۱۸۲ق / ۱۶۸۷ -

۱۷۶۸) مورخ، شاعر و گردآورنده اهل صنعا است. وی یکی از امامان متأخر یمن است که در کنار صالح مقبلی، حسن جلال و شوکانی از معدود مجتهدین آزادیخواه به شمار می‌روند که از قرائن قرآن و سنت پیروی می‌کنند. او در شهر کهلان در نزدیکی صنعا به دنیا آمد. سپس در سن یازده سالگی به صنعا نقل مکان کرد و در آنجا بزرگ شد. او آثار فراوانی دارد که به حدود یکصد اثر می‌رسد. از جمله: وسائل الصلاه، شرح الایمان مرام از ادله الاحکام ابن حجر عسقلانی، توضیح العقول، شرح تهذیب الانار والواقیت فی المواقیت؛ شرح الجامی. الصغیر السیوطی و هدایت منتقدان به تسهیل اجتهاد و الروض النضیر. او به همراه پدرش به شهر صنعا نقل مکان کرد و صنعانی پس از ورود به صنعا، حفظ قرآن را به پایان رساند. (به نقل از مکتبه الشامله.) که شرح حدیث اهل سنت است در ابتدای کتاب بعد از حمد و ثنای خداوند و در مقدمه کتاب خودش در مورد اهمیت علم حدیث می‌گوید: «فإن علم الحدیث من أشرف علوم الإسلام قدراً وهو مما خص الله به هذه الأمة و شرفها علی غيرها من الأمم. (الکحلانی ثم الصنعانی، محمد بن إسماعیل بن صلاح بن محمد الحسینی، أبو إبراهیم، عز الدین، المعروف كأسلافه بالأمر، التتویر شرح جامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۹).

«علم حدیث از شریف ترین علوم اسلام است و چیزی است که خداوند به این امت و عزت آن بر سایر امت‌ها ارزانی داشته است.»

### تحلیل و بررسی

ایشان در این عبارت به شرافت علم حدیث بر سایر علوم اسلامی پرداخته، معلوم می‌شود که علم حدیث در اسلام از شرافت و ارزش بالایی برخوردار است؛ چون امت پیامبر (ص) به سبب همین علم حدیث است که بر امت‌های دیگر شرافت و برتری پیدا می‌کند؛ لذا ما باید قدر و منزلت خودمان را بدانیم و برای فرا گرفتن علم حدیث، کمر همت بالا بزنیم و بر طبق دستورات آن عمل کنیم.

### ۱-۳. علم حدیث بعد از قرآن مهم ترین علوم اسلامی

صاحب کتاب الادب النبوی (— محمد عبدالعزیز بن علی شاذلی خولی در سال ۱۳۱۰ق / ۱۸۹۲ در قصبه الحمول در منوفیه در خدیو مصر به دنیا آمد و در آنجا بزرگ شد. مقدمات خود را در آن دریافت کرد و قرآن را حفظ کرد، سپس به الازهر پیوست و پس از مدتی به مؤسسه اسکندریه رفت. در سال ۱۹۱۱ به مدرسه شریعت پیوست و پس از فارغ التحصیلی به عنوان معلم در مؤسسه ای که در سال ۱۹۲۲ از آن فارغ التحصیل شد منصوب شد و با تأسیس گروه تخصصی حقوق اسلامی به عنوان

معلم در آنجا انتخاب شد. و سپس به عنوان استاد شریعت اسلامی در مدرسه دارالعلوم نقل مکان کرد. وی در ۲۵ ذی القعدة ۱۳۴۹ هجری قمری / ۱۹۳۱ م در قاهره، پایتخت پادشاهی مصر درگذشت. (به نقل از نرم افزار المکتبه الاسلامیه.) که یکی از شروح کتب حدیثی اهل سنت است در مقدمه کتاب در مورد جایگاه علم حدیث چنین تعبیر می‌کند:

«فإن علم الحديث يعتبر من أهم العلوم الإسلامية بعد القرآن الكريم، حيث يعتبر المصدر الثاني من مصادر التشريع التي تلزم الإنسان في هذه الحياة، حتى يسير على هديها، وينعم بنعيمها يوم القيامة، وسعادتها عند لقاء الحق جل وعلا، ومن هنا كان لا بد للإنسان العاقل أن يبحث عن ذلك الهدي، وإن هذا الكتاب يمثل خير هذا الهدي. هذا الكتاب الذي بين أيدينا، وهو الذي فيه الدواء الشافي لكثير من العلل والأسقام التي تعترى الإنسان في حياته الدنيا بالإضافة إلى أنه مليء بالحكم الخالدات والمواعظ البالغات.» (الشاذلي الخولي، محمد عبد العزيز بن علي، مفتاح السنه أو تاريخ فنون الحديث، ص ۵).

«علم حدیث پس از قرآن کریم یکی از مهم‌ترین علوم اسلامی به شمار می‌آید، چرا که دومین منبع تشریحی است که انسان را در دنیا ملزم می‌کند تا از هدایت آن پیروی کند و از نعمت او در روز قیامت برخوردار شود و از سعادت آن در دیدار حق بهره‌مند گردد؛ لذا ناچارانسان باید در مسیر هدایت آن حرکت نماید که این کتاب بهترین هادی و راهنماست. این کتابی که در دست ماست، شفای بسیاری از ناخوشی‌هایی است که انسان را در زندگی دنیوی به آن مبتلا می‌کند، علاوه بر آن سرشار از حکمت‌های جاودانه و پندهای بلیغ است.»

## تحلیل و بررسی

ایشان در اینجا علم حدیث را مهم‌ترین علوم اسلامی بعد از قرآن کریم ذکر کرده و آن را مصدر دوم شریعت اسلام بیان کرده که لازمه زندگی انسان این است که اگر می‌خواهد در مسیر هدایت حرکت کند و سعادت دنیا و آخرت را به دست بیاورد و در روز قیامت هنگامی با خداوند متعال ملاقات می‌کند رو سفید باشد باید به فرا گرفتن علم حدیث که همان سنت رسول خدا (ص) و قرآن کریم که شفای همه دردهای معنوی بشر در آن است همت کند و از مواعظ و حکمت‌های آن بهره‌بگیرد؛ چون که درد بشر و جنایات روز افزون او همه در سایه عمل نکردن به دستورات قرآن و سنت پیامبر (ص) است.

شمس الدین کرمانی (م ۷۱۷ هـ - م ۷۸۶ هـ) ایشان شافعی مذهب و از فقها و محدثین بزرگ قرن هشتم هجری قمری است. وی در کرمان به دنیا آمد سپس به شیراز رفت و در درس قاضی عضدالدین

ایچی شرکت کرد. وی سفرهای بسیار زیادی داشته. شرح‌هایی بر صحیح بخاری و مختصر ابن حاجب نوشته و نویسنده کتاب الفرق الاسلامیه است) در مقدمه کتاب الکواکب الدراری فی شرح صحیح البخاری در اهمیت علم حدیث، شبیه عبارت فوق را دارد و می‌گوید:

«فإن علم الحديث بعد القرآن هو أفضل العلوم وأعلاها، وأجل المعارف وأسنها، من حيث إنه به يعلم مراد الله تعالى من كلامه، ومنه تظهر المقاصد من أحكامه لأن أحكام القرآن جلتها بل كليات، والمعلوم منه ليس إلا أموراً إجماليات، كقوله: تعالى (أقيموا الصلاة وآتوا الزكاة) وإن السنة هي المعرفة بجزئياتها كمقادير أوقات الصلاة وكيفياتها وفرائضها ونوافلها وآدابها وأوضاعها وصفاتها، وهي الموضحة لمعضلاتها كأقدار نصب الزكاة وأنواع ما يجب فيها وأوقات الأداء ومن وجب عليه وما وجب منها وهلم جرا، وكذلك أعلى العلماء قدراً، وأنورهم بدرأ، وأفخرهم خطراً، وأنبههم شأنًا، وأعظمهم عند الله منزلة ومنزلاً، وأكرمهم مكانة ومكاناً، حملة السنة النبوية وناقلاً أخبارها، وحفظاً حديثها وعاقلاً سرارها، ومحققوا ألفاظها وأرباب رواياتها، ومدققوا معانيها وأصحاب درايته، وهم الطائفة المنصورة المشيدة لمباني الحق والمسالك، ولن يزالوا ظاهرين عليه حتى يأتي أمر الله وهو على ذلك.» (شمس الدين الكرمانی، محمد بن يوسف بن علي بن سعيد، الكواكب الدراري في شرح صحيح البخاري، ج ۱، ص ۲۰۲)

«علم حدیث بعد از قرآن کریم، بهترین و عالی‌ترین و شریف‌ترین و کهن‌ترین علوم است؛ چون که به وسیله آن مراد و مقصود خداوند تبارک و تعالی از احکام دانسته می‌شود؛ زیرا بخش اعظم از احکام خداوند در قرآن، کلی است و آنچه که برای ما معلوم و روشن است، امور اجمالی و جزئی است. مانند (أقيموا الصلاة وآتوا الزكاة) و سنت عبارت است از علم به مختصات آن مانند: مقدار اوقات نماز و کیفیت آن، نمازهای واجب و نافله، شرایط و کیفیات آن، و اینها شرح معضلات آنهاست. مانند مقادیر زکات، اقسام واجب، اوقات اداء، واجب و مستلزم آنها و مانند آن. همچنین علما بالاترین مرتبه هستند. آنها مانند ماه شب چهارده هستند، و مغرورترین آنها در خطر و بزرگوارترین آنها در مرتبه و بزرگترین آنها در مرتبه و مقام نزد خداوند، حاملان سنت نبوی و ناقلان اخبار آن هستند. حافظان احادیث هستند که اسرار آن را درک می‌کنند و کلمات و نویسندگان روایات آن را تصدیق می‌کنند و معانی آن و صاحبان علم آن را بررسی می‌کنند. اینان فرقه پیروز هستند که پایه‌های حق و راه را می‌سازند، همچنان بر او غلبه خواهند کرد تا فرمان خدا فرا رسد و او بر آن باشد.»

## تحلیل و بررسی

ایشان علم حدیث را بعد از قرآن از عالی‌ترین علوم اسلامی می‌داند که بیان‌کننده مراد و مقصود خداوند از احکام کلی است که در قرآن وجود دارد. و این حرف ایشان خیلی منطقی و قابل قبول می‌باشد؛ زیرا برای همه معلوم است، احکامی که در قرآن آمده، کلی است و ما اگر بخواهیم به جزئیات آن پی ببریم باید به علم حدیث مراجعه کنیم. این حرف برای ما این مطلب را گوشزد می‌کند که علم حدیث از جایگاه مهمی در میان علوم اسلامی برخوردار است که چه بسا علما و محققین و بزرگان ما زحماتی زیادی را متحمل شدند تا این میراث گرانبها را برای ما نگهدارند.

### ۴-۱. علم حدیث شریف ترین علوم دینی

صاحب‌التعلیق علی‌فتح الباری (حافظ عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد الدویش السبعی، ۱۳۷۳ق - ۱۹۵۴/۲۸ شوال، ۱۴۰۹ق - ۳ ژوئن ۱۹۸۹)، شیخ حدیث و عالم سعودی از علمای اهل سنت است. در ابتدای کتاب بعد از حمد ستایش خداوند و اجرای شهادتین و توبه و تضرع به درگاه خداوند متعال شروع می‌کند به توصیف نمودن از علم حدیث و می‌گوید:

«فإنه لما كان علم الحديث من أشرف العلوم الدينية إذ شرف العلم بشرف معلومة لأنه مقتبس من هدي النبي - صلى الله عليه وسلم - في أقواله وأفعاله وتقرياته اجتهد علماء سلف هذه الأمة يسعون للحصول عليه وإدراكه وجمعه وأخذه من أهله هم الذين قال فيهم الإمام عبد الله بن المبارك: إن هذا العلم دين فانظروا عمن تأخذون دينكم.» (الدویش، عبدالله بن محمد بن احمد، التعلیق علی فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ص ۲).

«از آنجایی که علم حدیث از شریف‌ترین علوم دینی می‌باشد؛ زیرا شرف هر علمی به شرف معلوم آن است؛ چون که این علم برگرفته شده از رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) است که عبارت باشد از: گفتار، افعال و تقریرات آن حضرت که علمای پیشینیان این امت برای به دست آوردن و درک آن، جمع آوری و گرفتن آن از اهل بیتش، سعی و تلاش زیادی نمودند. امام عبدالله بن مبارک در مورد علم حدیث می‌گوید: «این علم یک دین است پس بنگرید که دین خود را از چه کسی می‌گیرید.»

## تحلیل و بررسی

نکته حائز اهمیت در عبارت فوق، همان کلامی است که از عبدالله بن مبارک نقل می‌کند که علم حدیث را به عنوان یک دین معرفی می‌کند. این اهمیت علم حدیث را می‌رسد که علم حدیث چقدر



جایگاه بلندی داشته که آن را به عنوان یک دین معرفی می‌کند. معلوم می‌شود حدیث به تعبیر دیگر همان سنت پیامبر اکرم (ص) است و هر کسی طبق آن عمل کند و آن را در زندگی خودش بکار ببندد و به دستورات او عمل کند، در واقع دین پیامبر (ص) را برگزیده است که سبب سعادت بشر در دنیا و آخرت است.

### ۱-۵. ترغیب دانش آموختگان به فراگیری حدیث و فقه

عبدالمحسن العباد (عبدالمحسن العباد یک عالم دینی سعودی به نام عبدالمحسن بن حمد بن عبدالمحسن بن عبدالله بن حمد بن عثمان البدر است. و اما انتساب او به عباد به جد دومش عبدالله بر می‌گردد که در آنجا ملقب به عباد بود. عباد در سال ۱۳۵۳ هجری شمسی در استان زلفی در شمال شهر ریاض به دنیا آمد) صاحب کتاب شرح سنن ابی داود به خاطر اهمیت و جایگاه علم حدیث، تاکید می‌کند که باید در کنار علم حدیث، علم فقه را هم باید فرا گرفت؛ چون که استنباط احکام بدون علم حدیث ممکن نیست لذا می‌گوید:

«ان علی طالب العلم أن یكون حریصاً علی معرفة الأحادیث وما یتعلق بأسانیدها و متونها، و علی فقهاها و الاستنباط منها، و كذلك یعتنی بكتب الفقه و ما كتبه الفقهاء و جموعه من المسائل و الفروع، و ینظر فی أدلة تلك المسائل و الأقوال، و یأخذ بما یكون راجحاً بالدلیل، مع احترام العلماء و توقیرهم و تعظیمهم، و اعتقاد أنهم لا یعدمون الأجر أو الأجرین لأنهم مجتهدون، فمن أصاب حصل له أجرین: أجر الإصابة و أجر الاجتهاد، و من أخطأ حصل له أجر الاجتهاد، و خطؤه مغفور له. فالواجب العناية بالحدیث و بالفقه معاً، و الرجوع إلى كتب الحدیث و الفقه، و الاستفادة من فقه الفقهاء و الرجوع إلى كلامهم و أقوالهم و أدلتهم، و لكن مع الاحترام و التوقیر و التأدب، و مع ذكرهم بالجميل اللائق بهم دون أن ینال منهم، أو أن یحط من شأنهم، بل یستفاد منهم، و یترحم علیهم، و یدعی لهم...» (العباد. عبد المحسن، شرح سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲).

«دانش پژوه باید مشتاق دانستن احادیث و آنچه مربوط به سند و متون آنها و استنباط از آن است باشد. همچنین به کتب فقهی و آنچه که فقها نوشته‌اند و از مسائل و فروعی که جمع آوری کرده‌اند و به ادله آن مسائل و اقوال نظر می‌کند، عنایت داشته باشد. و آنچه که با دلیل ترجیح داده می‌شود بگیرد البته با احترام و تعظیم علما و دانشمندان و اعتقاد به اینکه آنها یک اجر یا دو اجر را ضایع نمی‌کنند؛ چون که آنها مجتهد هستند. هر کسی که به واقع رسید دوتا پاداش دارد (یکی اجر اصابت به واقع دیگری اجر اجتهاد) و اگر در این زمینه خطا رفت فقط اجر اجتهاد به او داده می‌شود ولی خطای او بخشیده

می شود. پس بر دانش پژوه واجب است که به هر دو علم عنایت داشته باشد. و به هر دو کتب حدیث و فقه مراجعه نماید و از فقه فقها و کلام و اقوال و ادله اجتهادی آنها بهره ببرد. اما با احترام و تکریم و ادب و با یاد کردن به نیکی از آنها به گونه ای که از شأن و منزلت آنها کاسته نشود بلکه باید از علم آنها استفاده کافی شود و بر آنها ترحم و در حق شان دعا شود.»

## تحلیل و بررسی

از عبارت ایشان به این نتیجه می رسیم که دانش جویان علم فقه نباید نسبت به علم حدیث بی اعتنا باشند بلکه باید هر دو را به یک چشم نگاه کنند؛ چون که هر دو محتاج یکدیگرند و هیچکدام از دیگری بی نیاز نیست. لذا وظیفه ما دانش جویان در اینجا خیلی سنگین می شود که هم باید به کتب حدیثی مراجعه کنیم و هم به کتب فقهی. فقها و محدثین را احترام قائل باشیم و آنها را به خاطر زحماتشان ارج بنهیم و مبادا به آنها توهین یا به آنها را تحقیر کنیم. باید در حیات شان قدردانی بزرگان خود باشیم و هم در ممات شان در حق شان دعا کنیم؛ چون که اینها میراث دار علوم اسلامی هستند.

### ۶- ۱. اهمیت متقابل حدیث و فقه

باز همان عبدالمحسن در شرح خود بر سنن ابی داود، عبارتی را از ابو سلیمان خطابی نقل می کند و این عبارت بیانگر اهمیت علم حدیث و فقه است؛ به گونه ای که هر دو علم مکمل همدیگر هستند و هیچکدام بی نیاز از دیگری نیست. ابو سلیمان خطابی می گوید:

«أن الناس انقسموا قسمين وصاروا حزین: أهل خبر وأثر، وأهل فقه ونظر، وقال: إن كلاً منهم يكمل الآخر، ولا يستغني أحدهما عن صاحبه. ثم ضرب لذلك مثلاً فقال: إن الذي يعتني بالحدیث ولا يشتغل بالفقه ولا باستنباط المسائل من الحدیث مقصر. ويقابله الذي يشتغل بحصر مسائل الفقه والاشتغال بكلام فقيه من الفقهاء دون أن يرجع إلى كتب الحدیث، ودون أن يرجع إلى الأدلة، فهذا أيضاً مقصر. ثم قال: إن الحدیث والفقه كأساس البنیان والبنیان، فمن عمل أساساً وأحكمه وأتقنه ولم يبن عليه لم يستفد منه. قال: فهذا مثل من يعتني من الحدیث بأسانیده ومتونه ولا يشتغل بفقهه وما يستنبط منه؛ لأن الناس متعبدون بالعمل بالحدیث، والعمل بالحدیث يأتي عن طريق الفقه والاستنباط. ولهذا قال الرسول صلى الله عليه وسلم: (نضر الله امرأ سمع مقالتي فوعاها وأداها كما سمعها، فرب مبلغ أوعى من سامع، ورب حامل فقه إلى من هو أفقه منه) والمقصود من الحدیث ومن السنن هو فقهاها واستنباط ما فيها من أحكام حتى يعمل بها، ولهذا يقول الرسول الكريم صلى الله عليه وسلم: (من یرد

الله به خیراً یفقهه فی الدین)، یعنی: ببصره و یعرفه بأمور دینه حتی یكون عارفاً بالحق عاملاً به داعياً إلیه علی بصیرة وهدی. فمن یقوی الأساس ثم لا یبني علیه فروعه لا تحصل ثمرته، ومن اشتغل بمسائل الفقه دون أن یرجع إلی الحدیث، ودون أن یبحث عن الصحیح والضعیف؛ فإنه یبني علی غیر أساس، فهو بنیان ضعیف معرض للانھیار؛ لأنه یستدل بحدیث موضوع، فكل من الحدیث والفقه لابد له من الآخر. ولكن إذا جمع بین الأمرین فقد جمع بین الحسنین، وعمل علی تحصیل الأساس وتقویته ثم بنی علیه الفروع، فجمع بین الروایة والدراية، فهذا هو المطلوب. ومن المعلوم أن المصیب فی مسائل الاجتهاد واحد، وليس كل مجتهد مصیباً، ولو كان كل مجتهد مصیباً لحصل التناقض؛ لأن المختلفین فی حکم یقول أحدهما: إنه حلال، ویقول الآخر: إنه حرام، وكيف یكون الشيء الواحد حلالاً حراماً فی وقت واحد علی وجه واحد، فمثلاً: بعض المسائل یختلفون فیها فیقول بعضهم: هذا یبطل الصلاة، ویقول غیره: هذا لا یبطل الصلاة، وهكذا: هذا ینقض الوضوء، ویقول الآخر: هذا لا ینقض الوضوء، فالمصیب واحد، والنبي صلی الله علیه وسلم أرشد إلی هذا فی قوله: (إذا اجتهد الحاكم فأصاب فله أجران، وإن اجتهد فأخطأ فله أجر واحد). فالنبي صلی الله علیه وسلم قسم المجتهدین إلی قسمین: مصیب ومخطئ، والمصیب له أجران: أجر الاجتهاد وأجر الإصابة، والمخطئ له أجر الاجتهاد، والخطأ مغفور. والفقهاء من الصحابة ومن بعدهم كل یؤخذ من قوله ویرد إلا الرسول صلی الله علیه وسلم، فإذا جاء كلام الله وكلام رسوله علیه الصلاة والسلام فإنه لا كلام لأحد بعد ذلك..» (العباد. عبد المحسن، شرح سنن ابی داود، ج ۱، ص ۰۲).

«مردم دودسته و دو حزب شدند: اهل خبر و اثر، اهل فقه و بصیرت؛ به گونه ای که هر دو مکمل همدیگر هستند و از یکدیگر بی نیاز نیستند. بعد برای روشن شدن این مطلب مثالی می زند می گوید: کسی که مواظب حدیث باشد و به فقه و استنباط مسائل از حدیث نپردازد، در واقع کوتاهی کرده است. و نقطه مقابل او کسی است که بدون رجوع به کتب حدیث و ادله آن، مشغول بر شمردن مسائل فقهی و کار با سخنان فقیهی از میان فقها است، این نیز کوتاهی می کند. سپس گفته است که حدیث و فقه اساس و زیر بنای ساختمان است، هر که عاقلانه کار کند و بر آن مسلط شود و بر آن بنا نکند، از آن بهره ای نخواهد برد. بعد گفت این مثل کسی است که به اسناد و متون حدیث اعتنا کند ولی به فقه و آنچه از آن استنباط می شود نپردازد؛ زیرا مردم در عمل به حدیث متعبد هستند و کار با حدیث هم از طریق فقه و استنباط می آید. از این روست که رسول خدا (ص) می فرماید: (خدا رحمت کند کسی را که سخن مرا بشنود و بفهمد و چنان کند که شنید، شاید کسی دانایتر از شنونده باشد. و ممکن است برای کسی که از او دانایتر است صاحب فقه باشد)؛ زیرا مراد از حدیث و از سنن، فقه آن و استنباط احکام آن به

منظور عمل به آن است. به همین دلیل است که پیامبر (ص) می‌فرماید: (هر کس را خدا خیری بخواهد به او فهم دین می‌دهد) یعنی او را در امور دینش آگاه و بصیر می‌گرداند تا از حق آگاه شود و به آن عمل کند و با بصیرت و هدایت به سوی او دعوت کند. هر که پایه را محکم کند و شاخه‌هایش را بر آن بنا نکند، ثمره آن حاصل نمی‌شود و هر که بدون رجوع به حدیث و بدون جستجوی صحیح و ضعیف به امور فقهی پردازد، این بنا بر روی یک سازه بی‌اساس ساخته شده است، زیرا ساختار ضعیف، مستعد فروریختن است؛ چون از حدیث مجعول استنباط می‌شود؛ لذا هر یک از احادیث و فقه باید از دیگری استخراج شود. ما اگر دو را جمع کند، دو چیزی نیکو را جمع کرده است. او به جمع‌آوری و استحکام بخشی شالوده و سپس ساختن شاخه بر روی آن پرداخته است. پس در واقع او بین روایت و درایت جمع کرده است.

معلوم است که در امور اجتهادی کسی که به واقع می‌رسد یکی است و هر مجتهدی هم به واقع نمی‌رسد. و اگر هر مجتهدی به واقع می‌رسید، تناقض پیش می‌آمد؛ چون این دو در حکمی با هم اختلاف دارند، یکی می‌گوید: حلال است، و دیگری می‌گوید: حرام است، و چگونه ممکن است یک چیز در یک زمان حلال و حرام باشد، مثلاً: بعضی مسائل با هم اختلاف دارند. بعضی می‌گویند: این نماز را باطل می‌کند و بعضی دیگر می‌گویند: این نماز را باطل نمی‌کند. بعضی می‌گویند این وضو را باطل می‌کند و بعضی می‌گویند: این وضو را باطل نمی‌کند؛ زیرا کسی که به حق رسیده یکی است و پیامبر (ص) این را در گفتار خود راهنمایی کرده است: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: (اگر مجتهد تلاش کند و به واقع برسد دو ثواب دارد و اگر کوشش کند و اشتباه کند یک ثواب دارد) (ثواب اجتهاد و ثواب رسیدن به واقع) و کسی که به خطا رفته یک اجر دارد که آن هم اجر اجتهاد باشد ولی خطایش بخشیده می‌شود. و فقهای از صحابه و کسانی که بعد از ایشان آمدند، هر یک از سخنان او را می‌گیرند و رد می‌کنند مگر سخن پیامبر (ص) را؛ چون وقتی که کلام خدا و پیامبر (ص) در میان بیاید پس از آن سخن کسی اعتبار ندارد.»

## تحلیل و بررسی

در تعبیر فوق به نکات مهم و ارزنده‌ای اشاره شده است. از همه مهم‌تر اینکه ایشان علم حدیث و فقه را مکمل یکدیگر معرفی کرده؛ به گونه‌ای که اگر کسی به علم حدیث مشغول شود و به مسائل و استنباطات فقهی ارزش قائل نباشد، مقصر و گناهکار محسوب می‌گردد. و همچنین بالعکس. بعد برای حرف خودش، کلام رسول خدا (ص) را شاهد می‌آورد. بعد در ادامه می‌گوید مردم متعبد هستند

به حدیثی عمل کنند که برگرفته شده از طریق فقه و استنباط فقهی باشد. بعد در آخر مطلبی را مطرح می‌کند که ما در آینده هم در باره آن بحث خواهیم داشت و آن اینکه می‌گوید در امور اجتهادی کسی که به واقع می‌رسد یکی است و هر مجتهدی هم به خاطر تناقض به واقع نمی‌رسد؛ چون دیدگاه‌ها در مورد حرام و حلال بلکه تمام مسائل شرعی متفاوت است و دو دیدگاه متفاوت در یکجا قابل جمع نیست.

## ۲- جایگاه علم حدیث نزد شیعه

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی مجموعه‌ی باورها و آموزه‌های خود را در قالب دو منبع بنیادین قرآن و حدیث در کنار یکدیگر انعکاس داده است و مدعی است اگر این دو در کنار یکدیگر در زندگی به کار گرفته شود پاسخگویی تمام نیازهای بشر است. تشیع برای علم حدیث اهمیت و جایگاه ویژه‌ای قائل است که گاهی از آن تعبیر به سنت می‌کنند و آن عبارت است از قول، فعل و تقریر (تقریر معصوم عبارت است از سکوت معصوم (ع) در برابر گفتار و رفتاری که در حضور او مطرح می‌شود) پیامبر (ص) یا ائمه معصومین (ع). حدیث بعد از قرآن کریم که یکی از منابع مهم استدلال است، رکن دوم یا منبع دوم از چهار منبع یا ادله استنباط احکام را تشکیل می‌دهد، در کنار دو منبع دیگر که نزد شیعه عقل و اجماع و نزد اهل سنت اجماع و قیاس است. حدیث هم به عنوان شارح و مفسر قرآن مجید و هم مستقل به عنوان یک منبع ارشادی برای مجموعه دستورات اسلامی (عقاید، احکام، اخلاق) است.

با اینکه پیامبر اکرم (ص) در زمان حیات خود تأکید بر جمع‌آوری و تدوین حدیث داشتند ولی در زمان حیات حضرت خلیلی نیاز به جمع و تدوین حدیث احساس نمی‌شد. پس از رحلت حضرت برخی از صحابه به توهم اینکه ممکن است گردآوری احادیث، از توجه مؤمنین به قرآن بکاهد و حدیث با قرآن مشتبه بشود و اهتمام به حدیث جای اهتمام به قرآن را بگیرد، از جمع‌آوری احادیث منع کردند. اما برخی از صحابه که یک مقدار دور اندیش‌تر بودند به این حکم عمل نکردند و مجموعه‌ای از احادیث را گردآوری کردند که بعدها کار آمد بود.

اهل سنت آنگاه متوجه اشتباه خود شدند که یک قرن از هجرت رسول اکرم (ص) می‌گذشت. در اوائل قرن دوم هجری در زمان عمر بن العزیز خلیفه زاهد اموی که از نوادگان خلیفه دوم بود و به امر و دستور او، رسماً منع تدوین حدیث برچیده گشت. و از نیمه دوم این قرن، جمع و ضبط احادیثی که

غالباً سینه به سینه نقل شده بود، آغاز گردید. در عالم تشیع هرگز سستی در جمع آوری حدیث حاصل نشد؛ چون امیر المومنین علی (ع) که مجموعه‌ای از احادیث نبوی را فراهم ساخته بود که از ایشان به سایر ائمه (ع) به ارث رسید؛ به ویژه امام باقر (ع) که این مجموعه به او رسیده بود که با معاونت و همکاری شاگردان حضرت، در ضبط و جمع آوری احادیث، تلاش وسیعی به عمل آمد. اصول چهارگانه‌ای که مبنای کتب حدیث شیعه شد، در واقع از عهد امیر المومنین (ع) تا عهد امام حسن عسکری (ع) تدوین شده بود.

به علت اهمیت علم حدیث، علوم مختلفی ناظر به بررسی محتوای و سندی احادیث پدید آمده است که تحت عنوان علوم حدیث دسته بندی می شوند. امور مربوط به سند حدیث در روایة الحدیث و محتوای آنها در درایة الحدیث بررسی می شوند. علوم رجال و مصطلح الحدیث، زیر مجموعه روایة الحدیث قرار دارند. در این علوم تقسیمات متعددی برای فهم و اعتبار سنجی احادیث بیان شده است. از آنجایی که قبلاً هم یاد آور شدیم بنای ما در این قسمت بر اختصار است لذا به جهت اهمیت و جایگاه علم حدیث، کاربرد آن را در کتاب‌های حدیثی بررسی و تحلیل کرده و در آخر نتیجه‌گیری خواهیم داشت.

## ۱- علم حدیث، معتبرترین علوم

شیخ حر عاملی (ره) در ابتدای کتاب و سائل الشیعه مطالب ارزنده‌ای در رابطه با فضیلت علم و اهمیت و جایگاه علم حدیث دارد و می‌گوید:

«لا شك أن العلم أشرف الصفات وأفضلها، وأعظمها مزية وأكملها، إذ هو الهادي من ظلمات الجهالة، المنقذ من لجج الضلالة، الذي توضع لطالبه أجنحة الملائكة الأبرار، ويستغفر له الطير في الهواء والحياتان في البحار، ويفضل نوم حامله على عبادة العباد، ومداده على دماء الشهداء يوم المعاد.

ولاريب أن علم الحدیث أشرف العلوم وأوثقها عند التحقيق، بل منه يستفيد أكثرها بل كلها صاحب النظر الدقيق، فهي ببذل العمر النفيس فيه حقيق. وكيف لا؟ وهو مأخوذ عن المخصوصين بوجوب الاتباع، الجامعين لفنون العلم بالنص والإجماع، المعصومين عن الخطأ والخطل، المنزهين عن الخلل والزلل. فتوبى لمن صرف فيه نفيس الأوقات، وأنفق في تحصيله بواقي الأيام و الساعات...» (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴).

«بی گمان، علم والاترین و بهترین صفات، بزرگترین و کاملترین فضایل است، چنان که او راهنما از ظلمات جاهلیت، نجات دهنده از ورطه گمراهی است. بال‌های فرشتگان صالح برای سالک او قرار گرفته است. و پرندگان در هوا و نهنگ‌ها در دریاها برای او طلب آموزش می‌کنند و خواب حامل آن را بر عبادت ترجیح می‌دهند، عبادت کنندگانی که در روز قیامت مُرکب شان بر خون شهدا افضل است. تردیدی نیست که علم حدیث، ارجمندترین و معتبرترین علوم در حین تحقیق است، بلکه بیشترین بهره‌مندی از آنها و همه آنها دقیق است. پس دادن جان گرانبها در آن سزاوار است. و چگونه چنین نباشد؟ چون که این علم از کسانی گرفته شده است که متابعت آنها واجب است. آنها که هم از نظر نص و هم از نظر اجماع جامع فنون علم هستند. آنهایی که از هر گونه خطا و لغزش، مصون و معصوم هستند. پس خوشا به حال کسی که گرانبهاترین وقت را در آن بگذراند و بقیه روزها و ساعات را در دستیابی به او بگذراند.»

ایشان در کتاب دیگرش هم شبیه همین مطلب را دارد و می‌فرماید:

«لا ریب ان علم الحدیث من اهم العلوم الشرعیة التي تتبني عليها سعادة الانسان في حيوته الدنیویة قبل اخریه. وقد آلف العلماء و جمعوا الحدیث في الأعصار المختلفة و في مجالات شتى منذ ان بعث الله رسوله صلى الله عليه و آله و حتى زمن الأئمة من آله و إلى عصرنا هذا.» (حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة في أصول الأئمة، ج ۱، ص ۶۰).

«شکی نیست که علم حدیث یکی از مهم‌ترین علوم حقوقی است که سعادت انسان در زندگی دنیوی قبل از آخرت بر آن استوار است. از زمان مبعوث شدن رسول خدا (ص) تا زمان ائمه (ع) از خاندانش و تا زمان ما، علما در اعصار مختلف و در زمینه‌های گوناگون احادیثی را گردآوری و جمع‌آوری کرده‌اند.»

## ۲- علم حدیث، ارجمندترین علم

محدث نوری (ره) در مستدرک، جایگاه علم حدیث را چنین بیان می‌کند:

«اعلم أنّ علم الحدیث علم شریف، بل هو أشرف العلوم، فإنّ غایته الفوز بالسعادة الأبدية، و التحلّي بالسنن النبویة، و الآداب العلویة، و به یدرك الفوز بالمعارف الحقّة ما لا یدرك من غیره، و منه یتبیّن الحلال و الحرام، و الفرائض و السنن، و طرق تهذیب النفس و صفائها.» (نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، ج ۹، ص ۳۳۲).

«بدان که علم حدیث علمی است ارجمند، بلکه ارجمندترین علوم است؛ زیرا هدف آن سعادت ابدی و آراستن به سنت‌های نبوی و اخلاق والاست. از طریق آن، دستیابی به دانش واقعی که از دیگران قابل درک نیست می‌شود پی برد. و از آن حلال و حرام و احکام و سنت‌ها و راه‌های طهارت و طهارت نفس معلوم می‌شود.»

### ۳- علم حدیث شریف ترین علوم دینی

علامه مجلسی (ره) در مورد جایگاه و اهمیت علم حدیث می‌فرماید:  
«إن علم الحدیث أشرف العلوم الدینیة و به يعرف مقاصد کتاب الله تعالی و المعارف الإلهیة و الأحکام العلمیة و العملیة.» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۷۴).  
«علم حدیث شریف ترین علوم دینی است و به وسیله آن اهداف کتاب خداوند متعال و علم الهی و احکام علمی و عملی شناخته می‌شود.»

### ۴- علم حدیث، والاترین علم

شهید ثانی (ره) در منیه المرید بعد از اینکه می‌گوید اقسام علوم شرعیه اصلی چهارتا است (علم کلام، علم قرآن، علم حدیث، علم فقه) در مورد جایگاه علم حدیث می‌فرماید:  
«و أما علم الحدیث فهو أجل العلوم قدراً، و أعلاها رتبة، و أعظمها ثبوتاً بعد القرآن، و هو ما أُضيف إلى النبوی (صلی الله علیه و آله) أو إلى الأئمة المعصومین (صلوات الله علیهم) قولاً، أو فعلاً، أو تقریراً، أو صفةً، حتی الحركات و السكنات، و اليقظة و النوم.» (شهید ثانی، زین الدین، منیه المرید، ص ۱۸۸).

«علم حدیث ارجمندترین علوم و بالاترین رتبه و با ثواب ترین آنها بعد از قرآن است. و آن چیزی است که بر پیامبر (ص) و یا امامان معصوم (ع) افزوده شده، در گفتار، فعل، امضا یا خصوصیت، حتی حرکات و سکون، بیداری و خواب.»

### ۵- علم حدیث، گرانباترین علوم

علامه محمد تقی مجلسی (ره) در کتاب روضه المتقین در مورد اهمیت علم حدیث می‌گوید:



«ان علم الحدیث من اشرف العلوم و اعلاها و اعزها و اغلاها، اذ به يعرف الحلال و الحرام، و یناط الاحکام.» (مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.)  
«علم حدیث از شریف ترین، والاترین، عزیزترین و گرانبهاترین علوم است؛ زیرا به وسیله آن حلال و حرام شناخته می شود و در واقع، احکام شرعیه منوط و وابسته به آن است.»

## ع-وابستگی سایر علوم به علم حدیث

دیلمی (ره) در کتاب شریف اعلام الدین، اهمیت علم حدیث را چنین بیان می کند و می گوید:  
«أما علم الحدیث الشریف فهو علم إسلامی بحت نشأ و نما و آتی أکله لیحفظ لنا أقوال المعصومین علیهم السلام التي هي بیان و تفسیر للقرآن الکریم، و هدی إلى سعادة الدنيا و الآخرة، فیها جمیع ما یحتاجه الإنسان لتکمیل نفسه و عمارة دنیاه و سعادة آخراه.  
ولهذا العلم الشریف فی المكتبة الإسلامیة سهم کبیر و مکان عال، فالعلوم الأخری من تفسیر و فقه و عقائد و ... تعتمد علیه و تستمد منه، فهو المصدر الأول للمفسر و الفقیه و المتکلم و العارف ...  
و هو علم تميز به الأمة الإسلامیة عن بقية الأمم، حیث حفظ هذا العلم الشریف جمیع کلام النبی الأکرم و آل بیته الطاهرين و إخبارهم عن الله تعالی و ما یتعلق بسیرهم و حیاتهم، و حفظ لنا — إضافة إلى هذا الصحیح من کلام الأنبياء السابقین علیهم السلام ... مما لا نجده عند أتباع الديانات الأخری.  
و قد أتعب علماء المسلمین أنفسهم فی نقل الحدیث الشریف و حفظ أسانیده، و وضعوا له علما مستقلا یضبط أصوله و فروعہ أسموه علم درایة الحدیث.» (دیلمی، حسن، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۹.)

«علم حدیث شریف، علمی است کاملاً اسلامی که پدید آمد و رشد کرد و به ثمر نشست تا سخنان معصومین (ع) را که بیان و تفسیر قرآن کریم است برای ما حفظ کند. و راهنمایی است به سوی سعادت دنیا و آخرت، که در آن همه چیزهایی است که انسان برای تکمیل خود و ساختن دنیا و سعادت آخرت خود به آن نیاز دارد.»

این علم شریف در مکتب اسلام، سهم و جایگاه والایی دارد، چنانکه سایر علوم تفسیری، فقهی، اعتقادی و ... به آن وابسته و برگرفته از آن است؛ زیرا اولین منبع مفسر، فقیه، متکلم و عرفاست و ... است.

و علمی است که امت اسلامی را از بقیه امتها متمایز می کند، چنان که این علم شریف کلیه

سخنان پیامبر اکرم (ص) و خاندان طاهرینش و بیان آنان را از خداوند متعال و آنچه مربوط به سیره و زندگی آنان است حفظ کرد. و برای ما - علاوه بر این - سخنان صحیح پیامبران پیش از آنان را حفظ کرد که در میان پیروان ادیان دیگر نمی‌یابیم.

علمای مسلمان خود را در نقل حدیث شریف و حفظ سندهای به زحمت انداختند و برای آن علم مستقلی ایجاد کرده‌اند که منشأ و فروع آن را کنترل می‌کند که آن را علم الحدیث می‌نامند.»

### ۷- علم حدیث، شارح و مبین و همسان قرآن

شیخ رضی (ره) که علم حدیث را مصدر اول و مهم‌ترین منبع بعد از قرآن دانسته و در مورد جایگاه و اهمیت آن می‌گوید:

«فإن القرآن العظيم هو المصدر الأول للهداية، والحديث هو المصدر الثاني والعدل الواضح له، و مكاتبه - شرفا - بعد القرآن، ولا ريب أن علم الحديث من أهم العلوم الشرعية التي تبتنى عليها سعادة الإنسان في حياته الدنيوية قبل الآخروية، و لذلك احتاجت غوامض القرآن و مجملاته إلى البيان و التفسير، فكان الحديث هو الشارح و المفصل و المبين للكتاب الكريم، فلا عجب أن يقول الرسول صلى الله عليه و آله و سلم: «أوتيت القرآن و مثله معه» (احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول (ص)، ج ۱، ص ۵۱۱). و هذه العبارة تدل - و بمنتهى الدقة و الوضوح - على أن حكم حديثه حكم القرآن من جهة المصدر.» (شريف الرضى، محمد بن حسين، المجازات النبوية، ص ۶).

«قرآن مصدر اول و حدیث مصدر دوم و عدل آن است. بعد از قرآن، علم حدیث در جایگاه دوم قرار دارد. تردیدی در این نیست که علم حدیث از مهم‌ترین علوم شرعی است که سعادت دنیای انسان بر آن مبتنی است؛ به همین جهت، قرآن و مجملات آن نیاز به بیان و تفسیر داشت لذا علم حدیث، شرح، تفصیل و تبیین‌کننده قرآن است. جای تعجب نیست که رسول خدا (ص) فرمود: «به من قرآن و مانند آن داده شده است.» این عبارت نشان می‌دهد - و با نهایت دقت و روشنی - که حکم حدیث او از نظر مصدر حکم قرآن است.»

ابن غضائری هم شبیه همین مطلب را در مقدمه کتاب رجال خود در مورد اهمیت علم حدیث دارد و می‌گوید:

«فإنّ (الحديث الشريف) ثاني مصادر الفكر الإسلامي (بعد القرآن الكريم) أصبح محورا للعلوم عديدة، اخترعتها الحاجة، و مسّت إليها الضرورة المعرفية، و هي: علم الحديث، و علم دراية الحديث،

و علم فقه الحدیث، و علم رجال الحدیث.» (غضائری، احمد بن حسین، الرجال الغضائری، ص ۷).  
«علم حدیث، دومین مصدر فکر اسلامی بعد از قرآن کریم است» که مورد توجه بسیاری از علوم  
قرار گرفته است که خیلی از اوقات، ضرورت اقتضا می‌کند که ما آنها را بشناسیم که از جمله آنهاست،  
علم حدیث، علم درایه، علم فقه و علم رجال.»

## ۸- علم حدیث، مورد نیاز مجتهد در استنباط

آیت الله مکارم شیرازی در ابتدای کتاب انوار الاصول در آنجا که مبانی اجتهاد را می‌شمارد و  
می‌گوید که اجتهاد در مسائل شرعی نیازمند چهارده تا علم است و این علوم را یک یک شمارش نموده  
تا می‌رسد به علم حدیث و در مورد اهمیت علم حدیث می‌گوید:  
«أما علم الحدیث فیکون بمنزلة علم التفسیر، و مورداً للحاجة في طریق الاستنباط، لأنّ المراد منه  
معرفة لسان الروایة فإنّ لروایة الأئمة المعصومین لسان خاصّ، و لحن مخصوص بها كالقرآن الکریم،  
يفترق عن لسان عبارات الفقهاء و العلماء و لحنها.» (مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، ج ۳،  
ص ۵۵۶).

«علم حدیث در حد و اندازه علم تفسیر و مورد نیاز مجتهد در استنباط احکام شرعی است؛ زیرا  
مراد از آن، شناخت زبان روایت است؛ زیرا روایت ائمه معصومین (ع) هم مانند قرآن کریم زبان خاص  
و لحن مخصوص دارد که با زبان و لحن عبارات فقها و علما فرق دارد.»

## نتیجه گیری

از عبارات بزرگان اهل سنت که برخی از آنها را در این رساله متذکر شدیم، نتایج ذیل به دست آمد:  
۱- اساس و شالوده‌ای احکام اسلامی و اساس همه روایات فقهی و پایگاه همه عقاید و علوم قرآن و  
ملاک امر و نهی و... علم حدیث است.

۲- علم حدیث به عنوان یکی از برترین علوم اسلامی، بیان‌کننده مراد و مقصود خداوند از احکام  
کلی است که در قرآن آمده است؛ یعنی علم حدیث جزئیات آن احکام کلی را بیان می‌کند.

۳- در تعبیرات برخی از علمای اهل سنت این جمله مهم وجود داشت که علم حدیث را به عنوان  
یک دین معرفی کرده بود. و آن عبارت این بود «این علم یک دین است پس بنگرید که دین خود را از  
چه کسی می‌گیرید.» این عبارت اهمیت علم حدیث را می‌رساند.

- ۴- علم حدیث سبب عزت امت اسلامی از غیر آن است.
- ۵- علم حدیث و فقه مکمل همدیگر هستند و هیچکدام از دیگری بی نیاز نیست؛ لذا هر دو اهمیت متقابل دارند.
- شکی در این نیست که علم حدیث از دیدگاه شیعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که نمی شود از این مهم چشم پوشی کرد؛ لذا از مجموع عبارات علما و بزرگان شیعه که برخی از آنها را متذکر شدیم، نتایج ذیل به دست آمد:
- ۱- حدیث دومین منبع مهم از چهار منبع برای استدلال و استنباط احکام شرعی است.
- ۲- حدیث علاوه بر یک منبع مستقل، شارح و مفسر قرآن کریم می باشد.
- ۳- علم حدیث، معتبرترین علم و سزاوار تحقیق و بررسی است؛ چون که این علم از کسانی به دست ما رسیده است که متابعت و پیروی از آنها واجب و لازم است.
- ۴- علم حدیث به عنوان یکی از مهم ترین علوم شرعی، تضمین کننده سعادت انسان در دنیا و آخرت می باشد؛ چون به وسیله علم حدیث است که حلال و حرام را می شناسیم.
- ۵- تاسیس علم حدیث به جهت حفظ و صیانت از سخنان معصومین (ع) به عنوان مبین و مفسر قرآن کریم می باشد.
- ۶- همه علوم دیگر نیازمند علم حدیث هستند؛ زیرا هر کسی که بخواهد احکام علوم دینی را بیاموزد باید از این علم آگاهی داشته باشد؛ زیرا فراگیری این علم برای هر فقیه و اصولی و مفسر و متکلم و عارف و... ضروری و لازم است.

## کتابنامه

١. ابن المُلقّن، سراج الدين أبي حفص عمر بن علي بن أحمد الأنصاري الشافعي، التوضيح لشرح الجامع الصحيح، ج١، تحقيق: دارالفلاح للبحث العلمي و تحقيق التراث، ناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية إدارة الشؤون الإسلامية - دولة قطر.
٢. ابو اسحاق ابن قُرُقُول، إبراهيم بن يوسف بن ادهم الوهراني الحمزي، مطالع الانوار على صحاح الآثار، تحقيق: دار الفلاح للبحث العلمي و تحقيق التراث، ج١، ناشر: وزارة الاوقاف والشئون الاسلاميه دولة قطر، چاپ اول، ١٤٣٣ هـ، ٢٠١٢ م.
٣. احمدى ميانجى، على، مكاتيب الرسول (ص)، ج١، ص٥١١، ناشر، دار الحديث، قم، ١٤١٩، ه.ق.
٤. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة في أصول الأئمة، ج١، محقق/ مصحح، قائمی، محمد بن حسن، ناشر: موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، قم، ١٣٧٦، ه.ش، ١٤٠١٨، ه.ق.
٥. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، ج١، محقق/ مصحح، موسسه آل البيت (ع)، ناشر: موسسه آل البيت (ع)، مکان، قم، سال چاپ، ١٤٠٩ ه. ق.
٦. الدويش، عبدالله بن محمد بن أحمد، التعليق على فتح الباري في شرح صحيح البخارى، ص٢، المصدر، ملف وورد ملتقى أهل الحديث.
٧. ديلمى، حسن، اعلام الدين فى صفات المؤمنين، محقق/ مصحح، مؤسسهُ آل البيت (ع)، قم، ١٤٠٨، ه.ق.
٨. الشاذلي الخولي، محمد عبد العزيز بن علي، مفتاح السنة او تاريخ فنون الحديث، ناشر: دار المعرفة - بيروت، چاپ٤، ١٤٢٣ هـ.ق.
٩. شريف الرضى، محمد بن حسين، المجازات النبويه، محقق/ مصحح، هوشمند، مهدي، ناشر، دار الحديث، قم، ١٣٨٠، ه.ش، ١٤٢٢، ه.ق.
١٠. شمس الدين الكرماني، محمد بن يوسف بن علي بن سعيد، الكواكب الدراري في شرح صحيح البخاري، ج١، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، چاپ دوم ١٤٠١، هـ، ١٩٨١ م.

۱۱. شهید ثانی، زین الدین، منیة المرید، محقق / مصحح، مختاری، رضا، ناشر: مکتبه الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۹، ه.ق.
۱۲. العباد. عبد المحسن، شرح سنن ابی داود، ج ۱، مصدر الكتاب، الشبكة الاسلامیة.
۱۳. غضائری، احمد بن حسین، الرجال الغضائری، محقق، حسینی جلالی، محمد رضا، ناشر: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ایران - قم، ۱۴۲۲، ه.ق.
۱۴. الکحلانی ثم الصنعانی، محمد بن اسماعیل بن صلاح بن محمد الحسنی، أبو إبراهیم، عز الدین، المعروف كأسلافه بالأمر، التئویر شرح جامع الصغیر، ج ۱، محقق: محمد إسحاق محمد إبراهیم، الناشر: مکتبه دار السلام، الرياض. الطبعة: الأولى، ۱۴۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۷، محقق / مصحح، جمعی از محققان، ناشر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳، ه.ق.
۱۶. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۱، محقق / مصحح، موسوی کرمانی، حسین و اشتها ردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، ۱۴۰۶، ه.ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، ج ۳، ناشر، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ دوم.
۱۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، ج ۹، محقق / مصحح، موسسه آل البيت (ع)، ناشر: موسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۸، ه.ق.